

پرسش پاسخ با آقای باب پریچر

آنچه در پی می آید متن گردآوری شده ای از بهترین مصاحبه های رسانه ای "باب پریچر" می باشد . در این پرسش و پاسخ باب پیرامون اعتبار و کاربرد های عملی اصول امواج سخن گفته و بوم شناسی اجتماعی - علم پیشگویی جمعی - را توصیف می کند . این نوشتار شروع خوبی برای شناخت بازارهاست و همچنین بهترین مقدمه بر تئوری امواج الیوت است .

حقیقت موج چیست ؟

اولین و مهمترین حقیقت موج ، توصیف جزء به جزء چگونگی رفتار بازار است . در حال حاضر احتمالاً آنچه این جمله بیانگر آن نیست ، بیش از آن چیز است که در آن نهفته است . بعنوان مثال توصیف جزئیات رفتار بازار اشاره ای بر اتفاقات بیرون از بازار نظیر مسایل اقتصادی ، سیاست یا گرایشات اجتماعی مطالعه دقیقی از رفتارهای جمعی است که انسانها در پهنه مفهوم ، ندارد . این سوداگری از خود بروز می دهند .

الیوت چه چیز ویژه ای کشف کرد ؟

مهمترین کشف الیوت این بود که الگوهای که در بازار کالا ایجاد می شوند ، در تمامی درجات روند اتفاق می افتند . الگوهای بزرگ از اجزائی تشکیل شده اند که آنها نیز به نوبه خود ترکیبی از الگوهای کوچکترند . با ترکیب الگوهای مشابه در اندازه کوچک ، الگوهای با اندازه بزرگتر ایجاد می شوند . الگوی بزرگ با چندین الگوی هم درجه ترکیب شده و الگویی به مراتب بزرگتر را تشکیل می دهد و به همین ترتیب . او [الیوت] بصورت مبسوط به شرح ساختار الگوها پرداخت . وی ۱۳ نوع از آنها را شناسایی کرد . در دوران اخیر که داده های قیمتی کالاهای عمومی از ۱۷۰۰ به بعد در دسترس است ، الگوها به همان اندازه وجود دارند .

او چگونه روند را درجه بندی کرد ؟

او ساختار ویژه ای را با برجسب دلخواه درجه اصلی - اصطلاحی که از نظریه داو به عاریت گرفته شده است - شروع به نامگذاری کرد . درجه بزرگتر را "سیکل (cycle)" نامید و درجه بزرگتر بعدی را **سوپر سیکل** . او درجه های پایین تر را **میان** (intermediate) و **فرعی** (minor) نام نهاد و به همین ترتیب . بنابراین ما سبکی برای ارجاع دادن به درجه روندی که از آن سخن می گوئیم داریم .

بزرگترین درجه روندی که او از آن سخن گفته چه بود ؟

"سوپر سیکل بزرگ" که حدس می زد تاریخ آن به پیدایش آمریکا برمی گردد ، از آن پس داده های فراوان بازار کالا تایید کرد که او درست حدس می زد . اما باز هم آن بزرگترین درجه نیست چراکه هر موج ، جزئی از موج بزرگتر است .

شما یکبار از قانون امواج بعنوان اصل ترین فرم تحلیل تکنیکال یاد نمودید . چرا ؟

در طول صدسال ، سرمایه گزاران متوجه شدند که به نظر ، اتفاقات خارج از بازار آنچنان در پیشرفت بازار تاثیری ندارند . با علم به اینکه بازار پیوسته بصورت امواجی که از لحاظ فرم و نسبت با هم مرتبطند شکل می گیرد ، می توانیم علت این عدم ارتباط را دریابیم . بازار ، خود دارای حیات است . آن روانشناسی توده انسانهاست که ثبت می شود . تغییر در احساسات مردم بصورت تغییر قیمت در ابزار سنجشی که DJIA شناخته می شود ، نمود می یابد . قانون امواج ، فهرست راههایی است که اجتماع از حوض بدبینی به قله خوشبینی می رسد . توصیفی از گامهای انسانها بعنوان توده سرمایه گذار است که با تغییر گرایشات روانشناختی خود از "گاوی" به "خرسی" پیش می روند . این توصیف بر حرکت هربازاری که رد پای انسانها در آن است منطبق است مگر اینکه موجودات مریخی با ذهن ناخودآگاه متفاوت در میان باشند ! از آنجاییکه مردم تغییر زیادی نمی کنند ، مسیری که آنها در گذر از نهایت بدبینی به اوج خوشبینی و برگشت آن طی می کنند قطع نظر از اخبار و اتفاقات بیرونی ، همواره یکسان است .

روش پایه چیست؟

در نهایت سادگی ، الیوت درک کرد که حرکت در مسیر یک روند بزرگتر به پنج زیر موج تقسیم می شود . همچنین حرکت در خلاف روند ، از الگوی سه زیر موج یا در بعضی حرکات از چند سه موجی تشکیل می یابد . در بازارهای صعودی -گاوی- بخشهای فرعی از پنج موج بالارونده با توالی بالا-پایین-بالا-پایین و بالا شکل می گیرد . بازارهای نزولی گرایش به شکل گیری بصورت سه موج با توالی پایین-بالا و پایین دارند . هریک از این حرکات دارای شکل و هویت هستند . مادامیکه شما شکلهای درحال اتفاق را تشخیص دهید ، نشانه ای از آنچه که ممکن است در مرحله بعدی رخ دهد در دست دارید .

ولی فرم پنج موجی به سمت پایین هم رخ می دهد ...

البته ، اما فقط بعنوان بخشی از الگوی سه موجی بزرگتر . ماهیت اصول امواج این است که حرکت در مسیر روند بزرگتر ، ساختار پنج موجی دارد در حالیکه حرکتهای خلاف روند بزرگ ساختار سه موجی دارند . از این روست که شما می توانید بگویید روند اصلی چیست و در نتیجه سرمایه گذاری کنید .

شما فقط براساس توصیف الیوت پاسخ دهید . آیا این بدان معنی است که شما بدون اطلاع از آنچه باعث ایجاد الگو می شود عمل کنید ؟

برعکس ، من دقیقا می دانم چه چیز الگوها را شکل می دهد : طبیعت انسان که ناشی از تمایلات اجتماعی اوست . هنگامی که شما سوال می کنید کدام نیروی بیرونی الگوها را شکل می دهد ، در واقع پرسش نادرستی مطرح می کنید ، پس شما در مسیر اشتباهی قرار دارید . توصیف الیوت از رفتار بازار ، شما را به نتیجه گیری در مورد علت و معلول اتفاقات اجتماعی وادار می کند . برخلاف تصور عامه همه عواملی که به نظر موثر می آیند چنین نیستند مانند سخنرانی های سیاسی یا شاخصهای اقتصادی بلکه آنها بسادگی نتایجی از الگوهای روانشناسی توده مردم هستند .

آیا می توانید در نهایت سادگی توضیح دهید ، چگونه احساسات ، منجر به رفتارها می شوند ؟

احساس ، سبب واکنش می شود . احساس اجتماعی مثبت فزاینده ، باعث می شود مردم به خرید کالا ها روی آورده و تجارت را توسعه دهند ، لباسهای رنگارنگ به تن کنند و به موسیقی شاد پاپ گوش دهند . احساسات اجتماعی فزاینده منفی سبب می شوند مردم دست به فروش کالاها بزنند ، تجارت را محدود کنند ، لباسهای تیره بپوشند و به موسیقی غم انگیز پاپ گوش فرا دهند . پس احساس مقدم بر واکنشها است .

آیا روش الیوت ، سیستمی مکانیکی است ؟

در واقع خیر . آنچه ما در اینجا با آن سروکار داریم رفتار مردم است . اگر ابزاری که شما با آن کار می کنید ، چیزی غیر از رفتار مردم را می سنجد ، از آنچه که در واقع اتفاق می افتد بدور خواهید ماند . یکی از بزرگترین ناتوانیها در تعامل با بازارهای مالی این است که ، تصور شود بازار واکنشهای مکانیکی به آنچه در بیرون از آن اتفاق می افتد نشان می دهد ، نظیر این تصور که بازار به سیاست فدرال یا موازنه تجاری و یا تصمیمات سیاسی پاسخ می دهد . عده ای نیز تلاش کردند آن را تا حد مجموعی از امواج سینوسی پررود یک کاهش دهند ، اما همیشه دریافتند که عملی نیست . زیرا ماهیت بازار ماشین تکرار زمانی نیست . از نقطه نظر تئوری ، رفتار بازار ، با قانون ریاضی مقید است ، اما این قانون با آنهایی که در علوم فیزیکی وجود دارند یکسان نیست . از دیدگاه کاربرد عملی ، اصل امواج یک سیستم پویا را دنبال می کند ، که اجازه تغییرات را در فرم خود می دهد ، درحقیقت بینهایت تغییر ، اما محدود به فرمی خاص . درحالیکه سیستمی در قید و بند اکید اعداد ، هرگز کارآمد نیست .

آیا بینهایت تغییر ، مستلزم این نیست که هر چیزی قابل پذیرش است ؟

به هیچ وجه . درختان به بینهایتی تغییر می کنند ، اما همه آنها شبیه درختند ، نیستند ؟ و شما می توانید

آنها را از ابرها تشخیص دهید در حالیکه ابرها نیز بی نهایت دچار تغییر می شوند و همچنان است در مورد ساختمانها . در حقیقت با وجود اینکه تغییرات بی نهایت هستند ، اما همه آنها مشابهند . این در مورد بازار نیز صادق است .

آیا دانستن الیوت سود را تضمین می کند ؟

تنها شرکت کنندگان بسیار آموزش دیده و با تجربه در بازار قادرند برخلاف سرشت طبیعی خود رفتار کنند . من هنوز کسی را که فقط با برنامه کاملاً منطقی و پایه ریزی شده بر اساس احتمالات مستدل و بدون دخالت دادن طمع ، ترس ، تصورات فرعی و یا قضاوت‌های بی مورد خود سرمایه گذار یا معامله گری کند ندیده ام . این ، نیمه احساساتی انسان و عملاً تعلقات اجتماعی اوست که وادارش می کند همانند اجتماعش فکر کند و آنگاه که چنین کرد در بازارها پول خود را از دست می دهد . با بکاربردن الیوت حداقل شما اصولی را در دست دارید که امکان سود را فراهم می کند .

بیشتر مردم علاقمندند بدانند که آن چگونه عمل می کند تا اینکه بدانند چرا عمل می کند . آیا چیزی هست که مردم باید بدانند تا برایشان کارگر بیافتد ؟

کلید الگوهای امواج الیوت این است که بازار به ازای سه گام به جلو ، دو گام برگشت انجام می دهد . اگر شما از دو گامی که برگشتی است نهراسید و اگر شما بعد از سه گام به جلو طمع نکنید ، به اندازه سالهای نوری از توده مردم پیش هستید . پس از این مطلب می خواهم اضافه کنم تنها یک چیز ساده است که بیاد داشته باشیم ، **اصول امواج بر قیمت‌های بازار حکومت می کند** ، درحالیکه یکی برای پیشگویی موج بعدی است هنوز آن دیگری سود بردن از تجربه است . هیچ چیز جایگزین تجربه نیست ، بطوریکه شما می توانید آنچه را که احساس می کنید و یا زمانیکه آن را احساس می کنید با نگرش احترام به رفتار بازار فراگیرید .

" جک فراست " اصول امواج را بعنوان چیزی که باید مشاهده شود تا باور گردد توصیف کرده است . منظور وی از این سخن چیست ؟

اصول کمی پیچیده اند تا بتوان با کلمات آنها را بیان کرد . با قانون امواج شما با پدیده ای سروکار دارید که خود را بصورت بصری آشکار می کند . شما سعی کنید مفهوم و تغییرات درخت را با جزئیات به شخصی که هرگز آن را ندیده است توضیح دهید . خواهید دید که چه کار مشکلی است . گفتن اینکه " نگاه کن یکی وجود دارد " بسیار آسانتر است . ذهن انسان در تشخیص بصری یک الگو بسیار قدرتمند است . اگر یک رایانه برای تشخیص شکل در فضا برنامه ریزی شود ، آموزش تفاوت بین ابر و پرند یا هواپیما به آن کار بسیار مشکلی خواهد بود . اگر بفرض شما یکبار این برنامه ریزی را انجام دادید ، اگر ناگهان یک بالون در فضا ظاهر شود ، رایانه را با مشکل مواجه خواهد کرد . مغز انسان بگونه ای دیگر عمل می کند و به هر حال

در تشخیص الگو بشدت قدرتمند است . اگر شما الگو راترسیم کنید به سرعت قابل فهم خواهد بود . سپس وقتی شما تصویر بازار واقعي را با مدلها مقایسه کنید ، به سهولت درستي آن را خواهید پذیرفت . این سطح ادراكي است که برخلاف سطح غير ادراكي بهترین شیوه عرضه است .

آیا شما بواقع قادر به آموزش آن هستید ؟

مطمئنا . بعنوان مثال ، تصویر بهترین شیوه است . بسیاری از مردم از این راه نحوه بکارگیری را یاد گرفته اند . بعضي در ابتدا با مشکل مواجه مي شوند اما بعد اظهار مي کنند : " یکبار که ویدئوي شما را دیدم کاملا متوجه شدم " .

توانايي هاي کليدي اصول امواج چیستند ؟

" فراست " همیشه مایل بود بگوید : " مشخصه بارز آن ، عمومیت و دقت آن است " . عمومیت آن در اغلب مواقع دید خوبی از بازار ارائه مي دهد و دقت آن در نشان دادن تغییرات روند ، در اغلب موارد غير قابل باور است .

علت عملکرد خوب قانون امواج چیست ؟

زیرا صددرصد تکنیکال است . هیچ نگرشي از منظر اقتصادي و سياسي مورد لزوم نیست .

مهمترین ضعفهای آن چه چیز است ؟

یک نقطه ضعف اصلي وجود دارد ، که مسبب تمام مسایل هست . یازده نوع مختلف از الگوهای برگشتي وجود دارند . هنگامی که تصحیح شروع مي شود ، بیان اینکه کدام الگوي تصحیح در شرف وقوع است غير ممکن است ، بنابراین شما نمی دانید که این تصحیح به چه شکلي پیش خواهد رفت . بنابراین بهترین کاری که می توانید انجام دهید ، این است که تعدادي از ملاحظات اليوت را که راهنما نامیده مي شوند بکار بگیرید تا تخمین درستي از آنچه در حال وقوع است داشته باشید .

مساله دیگر این است که تصحیح می تواند بصورت آنچه که اليوت آن را " دوتایی " یا " سه تایی " نامید ، اتفاق افتد . یعنی چند مرتبه یک تصحیح تکرار شود . تصحیهای سه تایی (triple) بزرگترین آرایشي هستند که اتفاق می افتند ، پس در وقوع برگشتها حدي وجود دارد . [بیشتر از تصحیح سه تایی اتفاق نمی افتد * مترجم *]

این تکرار می تواند نا امید کننده باشد ، زیرا از نظر زمانی می تواند ده برابر بطول انجامد . بعنوان مثال ما یک تصحیح ساید ۱۶ ساله در شاخص داوجونز از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۲ شاهد بودیم . آقای "ای.جی.فراست" و من گمان می کردیم که این تصحیح در سال ۱۹۷۴ به اتمام رسیده و بازار آماده روند صعودي دیگری است .

نقطه اطمینان ما این بود که بسیاری از کالاها از آن نقطه صعود کردند اما Dow به مدت هشت سال دیگر با تکرار تصحیح بصورت سایید درآمد و باعث نا امیدي گردید ، تا بالاخره حرکت صعودي خود را در دوازدهم آگوست سال ۱۹۸۲ شروع کرد .

این شبیه به بازی شطرنج است . چند امکان وقوع وجود دارند و در نتیجه احتمال موفقیت در یک چند راهه متغیر است .

شطرنج مقایسه خوبی را فراهم می کند . بازار قادر است هر آنچه دوست دارد انجام دهد ، ولی با این شرط که همیشه آنچه انجام می دهد در ساختار امواج الیوت است . همچنانکه در شطرنج حریف شما می تواند مهره ها را به هر خانه که دوست داشته باشد حرکت دهد ، منتها باید از قوانین بازی شطرنج تبعیت نماید . در سوي دیگر میز شطرنج نیز ، شما تفکر بسیار سختي برای انجام حرکت دارید ، اگر چه می دانید که مهره ها باید فقط براساس قوانین شطرنج جابجا شوند .

آیا موقعیتهایی هستند که در آنها قانون امواج درست از آب درنمی آید ؟

خیر ، آن همیشه صادق است . اما مطمئنا باید به یک مساله اشاره کنم ، اینکه گفته می شود " بازار از قانون امواج پیروي می کند " یک چیز است و پیش بینی آینده بازار براساس این آگاهی کاملا چیز دیگری است . این همیشه موضوع احتمالات است . هنگامی که شما عملا تجربه کسب نمودید ، هنگامی که قوانین و راهنماها را درک نمودید ، بیشتر شبیه این است که در جای شرلوک هلمز قرار گرفته اید . از این پس پیامدهای بسیاری امکان وقوع می یابند ، اما راهنماها شما را وادار به اندیشیدن در مسیری معین می نمایند . در نهایت به نقطه ای می رسید که شواهد برای نتیجه گیری قطعی ، فائق می آید .

آیا تاکنون با موردی مواجه شده اید که منتظر نتیجه ای با احتمال وقوع بسیار بالا ، فرض کنید ۹۰ درصد باشید ، اما بازار برخلاف انتظار شما حرکت کند ؟ در این زمان چکار انجام داده اید ؟

بله البته این اتفاق می افتد . اما شما نباید تا آن اندازه زیاد در اشتباه بمانید ، قبل از اینکه سعی در تشخیص موقعیت دارید . یکی از شگفتی های این روش این است که قیمت به شما اخطار می دهد . در روشهای دیگر ممکن است قبل از اینکه شما دلیلی بر تغییر عقیده خود بیابید ، قیمت مسیر زیادی پیش رفته باشد . مهم نیست اگر گاهی تشخیص الگوها دشوار می نماید ، همیشه بصورت رضایت بخشی به شکل الگوهای کلاسیک برگشت خواهد نمود .

آیا می توانید توضیح دهید ، علم به ساختار امواج چگونه در معاملات دخیل می شوند ؟

بعنوان نمونه ، انتهای موج چهارم که یک برگشت است نمی تواند با رالی موج اول تداخل نماید . اگر چنین شد ، دیگر آن موج چهارم نیست . در این صورت هنوز موج چهارم شروع نشده است و این موج سوم است که درحال تشکیل زیر موجهاست . دانستن این مفهوم شما را در رویارویی با امواج مخالف ، از بسیاری از

مشکلات بدور خواهد داشت . مفهوم پایه ای دیگر این است که موج سوم هرگز کوتاهترین موج نیست ، بلکه معمولا بزرگترین است . موج سوم مرحله ای است که می توان تشخیص داد بسیاری از مردم در بازار شرکت دارند .

" امواج خطا نمی کنند ، اما ممکن است تفسیر من نادرست باشد " .

آر . ان الیوت (در نامه ای به چارلز کولینس) در ۱۹ فوریه ۱۹۳۵

اما همیشه یک الگوی صحیح وجود دارد و مساله تشخیص آن است . چرا نسبت موفقیت به شکست با دقت های بالای ۴۰ ، ۵۰ ، ۶۰ و با حتی ۸۰ درصد وجود ندارند ؟

اولا چون الیوت تشخیص داد که بازار همانند شطرنج از قوانینی تبعیت می کند ، دلیل بر این نیست که شما می توانید حرکت بعدی بازار را پیش گویی کنید . تمام آنچه شما می توانید ارائه دهید احتمالات است . اما مشکلات روانشناسی به همان اندازه موانع بشمار می آیند . "همیلتون بولتون" جایی گفته است " **هنگام استفاده از الیوت مشکلترین چیز برای یادگرفتن ، باور کردن آنچه که می دیده ، بوده است** " . علی رغم تمام دانسته هایم ، من نیز بسیار بیش از یکبار گرفتار این مشکل شده ام . این یک حقیقت است که حتی بهترین تحلیل نتیجه بخش با احتمال بسیار بالا نیز در جایی که احساسات روانشناسی دخالت دارند ، شک برانگیز است . همچنانکه "فراست" نصیحت کرده است که " **همیشه بازار انتخاب های متنوع خود را باز می گذارد**" بنابراین هنگامی که شما ضعف انسانی را با بازی احتمالات درهم آمیزید ، نتیجه آن لغزش های فراوان در قضاوت خواهد بود .

با همه اینها باید تاکید کنم ، نسبت موفقیت در الیوت در مقابل سایر روشها هنوز بهتر است و این تنها پایه عقلانی برای قضاوت در مورد ارزش آن است . بعلاوه ، اهمیت فوق العاده قانون امواج در این اندازه نیست که درصد بالایی از توقعات را در بازار فراهم کند بلکه همیشه یک بینش بصری خوب به سرمایه گذار می دهد .

آیا ممکن است که در این سیستم معامله گر منحصرأ هر الگویی را که بصورت مطلوب در گذشته شمارش کرده است ، همه چیز را براساس آن شمارش در نظر گرفته و بدون در نظر گرفتن اتفاقات آینده عمل نماید ؟

پاسخ منفی است به دو دلیل .

اولا، اگر این صحیح باشد ، نمی توان نتیجه ثبت شده ای از موفقیت های قانون امواج در طول دهه های فراوان داشت . سیستم هایی براساس اعداد در برخورد با بازار وجود دارند که یکی بر این باور بنا نهاده شده است که شبیه تعامل بر اساس حرکت تصادفی است . نتایج اینها بی ارزش هستند ، اگر هم بتوانند نتیجه کسب کنند . همچنانکه "پاول مونتگومری" معتقد است " **بهترین امتحان برای یک تئوری این است که آیا آن تئوری می تواند پیشگویی کند؟** "

درثانی ، الگوهای غیر الیوتی بسیاری وجود دارند ، که اگر بازار یک حرکت تصادفی بود می توانست بوجود بیاورد ، اما هرگز این کار صورت نگرفته است . من هرگز ندیده ام که بازار در فرمی غیر از الگوهای الیوت پیش برود .

آیا شما بر این باورید که اصول امواج برای دستیابی به فرم تحلیل بصری است ؟

دو شخص می توانند به یک چارت نگاه کنند و بسیار متفاوت از هم موجها را شمارش کنند . پیگیری کنندگان بازاری وجود دارند که اعتقاد دارند بکاربردن تئوری امواج بسیار سلیقه ای است .

من همیشه می پرسم " با چه چیز مقایسه می کنیم؟ " از تحلیلگران مرسوم که به یک خبر فاندامنتالی ، یک حادثه ، جنگ ، میزان بهره ، نسبت P/E ، گزارش GDP ، سیاست اقتصادی رییس جمهور ، سیاست پولی فدرال و بقیه را شما نام ببرید ، نگاه می کنند و بی شمار نتیجه گیریهای متضاد انجام می دهند ، از این دسته تحلیلگران سلیقه ای تر نداریم . آنها حتی به خود زحمت مطالعه داده ها را هم نمی دهند . اصول امواج ، پایه و اساس ممتازی برای تخمین احتمالات ، در مورد حرکت آینده بازار است . احتمالات در ذات خود با امور قطعی متفاوتند . بعضی از مردم این بخش از تحلیل را به اشتباه ، سلیقه ای تفسیر می کنند . اما تمام احتمالات می توانند بطور هدفمند (نه سلیقه ای) و با توجه به قوانین و راهنماهای شکل گیری امواج در الویت قرارگیرند . ما درحال توسعه نرم افزاری هستیم که تحلیل موج انجام دهد ، و این به آن دلیل قابل اجراست که الویت بندی عینی امکان دارد . بسیاری از تحلیلگران در اکثر مواقع سلیقه ای عمل می کنند و بقیه حداقل در بعضی زمانها اینگونه رفتار می کنند . اما این مشکل آنان است و البته گاهی مشکل من نیز هست ، اما نه مشکل اصول امواج .

آیا معامله گران کوتاه مدت می توانند از اصول امواج استفاده کنند ؟ یا آن برای روشهای معامله بلند مدت مناسب است ؟

آن فراکتال است ، بدین معنی که الگوهای مشابه در تمام درجات روند ظاهر می شوند .

نکته مهم درباره انسانها که شرکت کنندگان در بازار هنگام معامله باید از آن آگاه باشند چیست ؟

اغلب سرمایه گذاران اطلاعات وسیع و تجربه در زمینه سرمایه گذاری ندارند ، بنابراین برای یافتن مسیر به دیگران نگاه می کنند . آنها به منحنی نگاه می کنند ، می بینند که قیمت به کدام سمت پیش می رود ، روزنامه ها را می خوانند ، به تلویزیونهای مالی نگاه می کنند ، در مهمانیها با همسایگان خود گفتگو می کنند ، بدون اینکه تحقیقات ، آموخته ها و دانش خود را قاعده مند کنند . آنها اطلاعات خود را از دیگران گرفته یا آن را از دست می دهند . اصول امواج توسعه می یابند ، زیرا انعکاسی از الگوهای تفکر ناخودآگاه هستند

، نه استعدادهاي عقلاني انسانها . انسانها همیشه هنگامی که بازار صعود می کند ، تصورات روحی از دنیای مجلل برای خود می سازند و هنگامی که نزول می کند به نابودی می اندیشند . یکبار که شما توانستید امواج لیوت را فرا بگیرید ، خواهید توانست احتمالات را برای هر بازاری در اغلب زمانها و معمولا هرگاه که نیاز افتد پیش بینی کنید . همچنین شما قادر خواهید بود تغییرات اجتماعی وسیع را پیش بینی کنید . اگر نشانه ها را بشناسید خواهید توانست از آنها در جهت منافع خود استفاده کنید .

اخیرا اشخاص قادرند از خانه خود و با رایانه های شخصی سرمایه گذاری یا معامله نمایند . آیا تجارت الکترونیک ماهیت بازارها یا مکان آنها را دگرگون کرده است ؟ نظر شما در باره این توسعه چیست ؟

قریب به ۳۰ سال است که من ساعتها به چارتهای نگاه می کنم ، تا آنجا که می توانم بگویم تجارت الکترونیک ذره ای هم رفتار بازارها را دگرگون نکرده است . معامله الکترونیکی چیز خوبی است ، زیرا واسطه را از میان برمی دارد ، کسی که یا درستکار بود ولی غیر لازم و یا اینکه هنرپیشه ای دزد . معامله الکترونیکی می تواند چیز بدی نیز باشد ، زیرا این امکان فراهم شده تا جماعت احساساتی با یک کلیک پس اندازه های خود را به شتاب هرچه تمامتر وارد کارزار کنند . با بررسی مجدد ، من حدس می زنم بهتر است این اتفاق با سرعت روی دهد ، در این صورت درد زیاد طول نخواهد کشید و شما زودتر یادخواهید گرفت .

آیا شما اعتقاد دارید که معامله الکترونیکی میدان بازی سرمایه گذاران شخصی را با بنگاههای سوداگر هم سطح کرده است ؟

مسئله بله ، اکنون ما معامله گران شخصی ، دسترسی به اطلاعات درست و گزارشهای فوری داریم . آیا این شگفت انگیز نیست ؟ مطمئنا هست ، در مقایسه با روزگار گذشته ، منظورم سالهای بسیار متمادی قبل از سال ۲۰۰۰ است .

در طول مدت حرفه خود ، شما تئوری امواج لیوت را توسعه داده و بر آن افزوده اید . آخرین آنها در زمینه بوم شناسی اجتماعی است . آیا ممکن است بیشتر در باره زیرساخت نظری بوم شناسی اجتماعی توضیح دهید ؟

از آنجاییکه امواج درحال شکل گیری هستند ، این امر باید اشاره به این داشته باشد که اتفاقات بیرونی فشاری بر بازار ندارند ، زیرا اگر چنین بود آنها می بایست الگوها را به امواج تحمیل می کردند . بنابراین امواج باید بواسطه مکانیسمی غیر از اتفاقات بیرونی شکل بگیرند ، که این عامل در ذهن انسانها است . بهترین توصیفی که دارم این است که امواج زاییده ذهن ناخودآگاهند ، که همدیگر را وادار به تقلید از هم می کنند . زیرا انگیزش در یک توده به سراسر توده سرایت می کند . اتفاقات اجتماعی در گرو روانشناسی

اجتماعي است ، اما از آنجاکه امواج منشاء دروني دارند ارتباطي که بين آنها متصور است اين است که واکنشهاي اجتماعي زاييده امواج روانشناختي اجتماعي است نه چيزي ديگر . اين حقيقت که اتفاقات قابل تامل اجتماعي پيرو امواج بازار هستند نه مقدم بر آنها، در باور من بر فرضيه روانشناختي اجتماع صحت مي گذارد . تنها توصيف ديگر براي اين ترتيب وقوع ، تئوري discounting (نزول) است که هم قابل احترام و هم نا معقول است . مردم از آينده اي که هنوز اتفاق نيافته است خبر ندارند . تنها توصيف ملموس اين است که احساسات مثبت و منفي مشترک آنها ماهيت واکنشهاي سلسله دار اجتماعي را رقم مي زنند . هنگاميکه شما به رسانه مالي عمومي گوش فرا مي دهيد يا آن را مطالعه مي کنيد ، از منظر روانشناختي اجتماعي به همانگونه عمل مي کنيد . آنچه را که آن مي گويد نخوانيد ، بلکه ببينيد آن چه معني مي دهد .

منبع : www.elliottwave.com

مترجم : جناب amirhzf

این PDF از سایت اف ایکس پارس تهیه شده است و لینک آن در ذیل آمده است ...

<http://forums.fxpars.com/showthread.php?t=4656>

لینک ترجمه :